

آن شخص می‌خواست به ما ضربه بزند ، خود او باعث رسیدن این خوبی به ما شد ، زیرا خواست خد-اوند این بود و آن فردی که مانع تراشی می‌کرد ، خود آن شخص باعث می‌شود خوبیهای را که خد-اوند تعیین کرده ، به ما برسند.

این اتفاقات در هر دوره می‌افتند ، فقط باید به خد-اوند اطمینان داشت که دنیا را اداره می‌کند و بر همه چیز نظارت دارد.

از اینجا می‌آموزیم تا چه حد باید به خد-اوند اطمینان داشت و دانست خد-اوند بر ما نظارت دارد و اگر خد-اوند بخواهد به ما خوبی کند ، هیچ قدرتی در دنیا نمی‌تواند مانع آن شود ، ما فقط وظیفه داریم تورا و میصوهای آن را به صورت کامل انجام دهیم و از هیچ مورد و قدرتی نترسیم ، زیرا اگر در چشم خد-اوند خوب باشیم و او بخواهد به ما خوبی نماید ، این خوبی به ما خواهد رسید ، حتی اگر هیچ امکان و امیدی وجود نداشته باشد. بیشتر اوقات معلوم می‌شود

سال شمیطا

لازم بود هاراو شمیراهو بنویسد: "هخزون ایش خوشحال است که افراد بسیاری میصوای شمیطا را نگه می‌دارند" ، ولی شادی مخصوص هخزون ایش به سبب نگه داشتن میصوای شمیطا نبود ، بلکه به جهت آموزش مربوط به هلاخاهای سال شمیطا بود."

هاراو افراتی در ادامه فرمود: "حال اگر دلیل شادی هخزون ایش را دریابیم ، پاسخ این سؤال نیز معلوم می‌شود. در واقع پنج دلیل مرکزی وجود دارد که چرا باید مشغول به آموزش هلاخاهای سال شمیطا شد.

اولین دلیل: اگر فرد هلاخاهای سال شمیطا را نیاموزد ، پس نمی‌داند چه کار باید بکند و از چه کاری امتناع نماید. شخصی که می‌پرسد چرا باید هلاخاهای سال شمیطا را آموخت ، خودش با این سؤال ثابت می‌کند که لازم است این هلاخاها را بیاموزد و وقتی مشغول به آموزش این هلاخاها می‌شود ، متوجه می‌گردد چقدر این هلاخاها مهم هستند و در روزمره خود با آنها سر و کار دارد. من تا به حال کسی را ملاقات نکردم که مشغول به آموزش این هلاخاها شده و در انتها بگوید هیچ مورد از این هلاخاها که آموخته را انجام نداده است.

دلیل دوم: مشه ربنو تعیین نمود در هر موعد و هر مناسبت ، هلاخاهای مربوط به آن مورد آموخته شوند ، هلاخاهای موعد پسخ در موعد پسخ ، هلاخاهای موعد سوکا در موعد سوکا ، هلاخاهای شبات در روز شبات و غیره. پس در سال شمیطا ، باید هلاخاهای مربوط به سال شمیطا را آموخت. آیا در موعد پسخ ، ما فقط هلاخاهایی را می‌آموزیم که با آنها سر و کار داریم؟ خیر! ما همه هلاخاهای مربوط به موعد پسخ را می‌آموزیم. پس در سال شمیطا نیز باید تمام هلاخاهای مربوط به این سال را آموخت.

دلیل سوم که شاید لازم بود آن را در ابتدا می‌گفتیم ، دانش و دانستن تورا است. هر یهودی موظف است تمام تورا را بیاموزد و هلاخاهای سال شمیطا قسمتی از تورا هستند.

دلیل چهارم: میصوهای که نمی‌توانیم انجام دهیم ، برای انجام وظیفه در این میصوا ، لازم است هلاخاهای مربوط به آن میصوا را بیاموزیم. پس اگر در روزمره شخص با میصوهای شمیطا سر و کار

هاراو یوسف افراتی از عالمین تورا در این دوره می‌باشد که دهها سال است همواره در مورد میصوهای مربوط به سرزمین یسرائل ، آموزش و تدریس می‌نماید. اکنون چهارده سال است که هاراو افراتی برنامه‌ای را اداره می‌کند که طبق آن ، مخصوصاً در خود سال شمیطا افراد بیشتری هلاخاهای مربوط به سال شمیطا را بیاموزند.

چون که امسال ، سال شمیطا است ، مصاحبه‌ای را با هاراو افراتی ترتیب دادیم و از وی پرسیدیم: چرا آموزش هلاخاهای مربوط به سال شمیطا این چنین مهم است؟ کشاورزان ، میوه‌فروشان در سرزمین یسرائل و راهایی که باید پاسخ سؤالات مردم را بدهند ، حتماً باید این هلاخاها را بدانند ، ولی اگر شخصی در شهر زندگی می‌کند و نه باغ دارد و نه باغچه و یا اصلاً در خارج از سرزمین یسرائل زندگی می‌کند ، چرا چنین فردی باید هلاخاهای سال شمیطا را بیاموزد؟

هاراو افراتی در پاسخ فرمود: "شما اولین نفر نیستید که این سؤال را می‌پرسید ، این سؤال چند پاسخ دارد و من از پایه و اساس شروع می‌کنم. در سال ۵۷۱۹ عبری (برابر با ۱۹۵۸ میلادی) که آن سال نیز سال شمیطا بود ، یک کتابچه در مورد مسائل شمیطا چاپ شد که در مقدمه این کتاب ، برادرزاده هخزون ایش ، هاراو شمیراهو گرینمن می‌نویسد: "خزون ایش بسیار خوشحال است که افراد بسیاری مشغول آموزش هلاخاهای مربوط به سال شمیطا شده‌اند." حال این مورد کمی عجیب است ، زیرا هفت سال قبل از این ، سال ۵۷۱۲ (۱۹۵۱) اولین سال شمیطایی بود که افراد بسیاری در سرزمین یسرائل شروع به نگهداشتن سال شمیطا کردند ، قبل از آن ، تقریباً هیچکس قوانین و هلاخاهای سال شمیطا را نگه نمی‌داشت ، هخزون ایشن در نامه‌های خویش گلایه می‌کرد که انگار هلاخاهای شمیطا وجود ندارند و فقط سه مزرعه در سرزمین یسرائل هستند که این هلاخاها را نگه می‌دارند. به سبب این وضعیت ، هخزون ایش فعالیت بسیاری را شروع نمود تا مردم بیشتری میصوای شمیطا را انجام دهند و واقعاً در شمیطای بعد که در سال ۵۷۱۲ بود افراد و گروه‌های بیشتری میصوای شمیطا را نگه داشتند. طبق این مورد ،

بود که گالوت و بردگی شروع گشت. حال کدام پاسخ درست است: بردگی با وفات برادران شروع شد یا با خروج قوم یسرائیل از سرزمین گوشن؟

هاراو گالینسکی در پاسخ فرمود: "هر دو جواب درست است، تا وقتی که یکی از فرزندان یعقوب آوینو زنده بود، قوم یسرائیل درجه والای خود را نگه داشتند و با مصریان آمیخته نشدند و زندگی شخصی خود را در گوشن می گذراندند و این مورد آنها را از بردگی نجات می داد، زیرا سرزمین گوشن متعلق به سارا ایمنو بود (فرعون در دوره اوراهام آوینو این منطقه را به سارا ایمنو هدیه داد) و در این مکان ناپاکی مصر به حد زیاد وجود نداشت. ولی همین که آخرین برادر از دنیا رفت، قوم یسرائیل در سرزمین مصر پخش شدند، در تجارت، بازرگانی و حتی سیاست نیز وارد شدند و در هر جا یک نماینده از قوم یسرائیل بود، این مورد باعث شد تا فرعون بر قوم یسرائیل احکام سنگینی را وارد نماید.

برای مثال، وقتی شخص به مانند همسایه خود و آن چنان که در کوچه و خیابان مد است لباس می پوشد، دیگر همسایه ها نیز از او تقلید می کنند و دیگران نیز از آنها تقلید می کنند و به این صورت دسته بسیاری به سبب فشار اجتماعی و تقلید، لباسی را می پوشند که مناسب آنها نیست و با هلاخا نیز جور در نمی آید، این خودش یک نوع بردگی است. پس هر یک از ما باید سعی و تلاش کند تا از مصر درونی خود خارج شود و یک فرد آزاده باشد، نه برده غرایز خویش." برگرفته از درازاهای هاراو یعقوب گالینسکی، کتاب لهکید

یک بار یکی از شاگردان هاراو از کوصک به نزد وی آمد و گفت: "جناب راو، موقع تفیلا افکار غریبه مزاحم من می شوند و من تمرکز ندارم."

هاراو از کوصک در پاسخ فرمود: "این افکار، غریبه نیستند، اینها افکار واقعی تو هستند، فکر و مغز تو پیش جنس و کار و کسب است و به همین سبب، هنگام تفیلا نیز تو به این موارد فکر می کنی. این تفیلا است که در نزد تو غریبه است نه این افکارها..." در این پاسخ هاراو از کوصک باید تأمل بسیاری شود.

درد و رنج واقعی در مصر فقط دست درد، پا درد و کمر درد نبود، رنج و درد واقعی این بود که آنها این چنین در آجرسازی فرو رفتند که تمام فکر و تمرکز آنها روی این مورد بود و به همین سبب به چهل و نه دروازه ناپاکی رسیدند تا حدی که وقتی خد-اوند می خواست قوم یسرائیل را از مصر نجات دهد، فرشتگان به خد-اوند گفتند:

"قوم یسرائیل با مصریان چه فرقی دارند، هر دوی آنها بت پرستی می کنند."

هاراو گالینسکی در اشای خود را ادامه داد و فرمود: "دانشمندان توره یک بار می گویند: تا وقتی فرزندان یعقوب آوینو زنده بودند، بردگی مصر شروع نشد و وقتی تمام برادران از دنیا رفتند، این بردگی آغاز گشت. ولی در جای دیگر، دانشمندان توره می فرمایند: وقتی قوم یسرائیل احساس نمود منطقه گوشن برای آنها کوچک است، از گوشن بیرون رفتند و در جاهای دیگر مصر ساکن شدند، آن هنگام

قابل توجه خوانندگان گرامی

نشریه هفتگی **אור לציון** در زمان اخیر با کمبود مالی جدی روبرو شده است که در صورت عدم دریافت کمک مالی از چاپ و پخش نشریه برای چندمین بار معذور خواهد گشت. این مورد سبب گشته این نشریه تنها به تعداد نسخ محدودی چاپ و نشر اکتفا نموده و در اختیار افراد معدودی قرار دهد و بدین ترتیب سایرین از دریافت آن محروم بمانند که در صورت عدم توجه، موفق به تهیه این تعداد محدود نیز نخواهد گشت.

واقعاً اکنون: لمظهای تفکر... ۱۱۱

اما پس از تفکر، باید عمل نمود آیا عدالت است که تنها به علت کمبود مالی از داشتن نشریه های فارسی زبان که در نوع خود بی نظیر می باشند محروم باشیم پس خواهشمند است جهت کمک به این نشریه اقدام فرمایید. با کمک به این نشریه علاوه بر درج اسامی و اختصاص انتشار، به منظور سلامتی و موفقیت افراد و یا شادی روح و روان رفتگان خویش، مزکی خواهید گشت که توسط تلمید خاخام جهت سلامتی، موفقیت و سرافرازی شما در نزد مقبره "خاخام اوریل داویدی" به دعا و تفیلا پرداخته شود.

جهت کمک به این نشریه لطفاً با شماره تلفن یا واتس آپ ۰۵۴-۶۴۹-۳-۶۴۹ تماس حاصل فرمایید.